بسم‌الله الرحمن الرحیم

[احکام شارع 2](#_Toc431724681)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc431724682)

[مروری بر چند مقدمه اخیر 2](#_Toc431724683)

[جمع‌بندی 2](#_Toc431724684)

[اصالت الهی بودن احکام 3](#_Toc431724685)

[اصل حاکم در فضای روایات 3](#_Toc431724686)

[نتیجه‌گیری 4](#_Toc431724687)

[ادله اصل بر مولویت 4](#_Toc431724688)

[اصالت ظهور 4](#_Toc431724689)

[انواع گفتارها 4](#_Toc431724690)

[نتیجه‌گیری 5](#_Toc431724691)

# احکام شارع

# مرور بحث گذشته

در بحث گذشته به چند قاعده اشاره شد که برای هر واقعه‌ای حکمی وجود دارد و این احکام تا روز قیامت استمرار دارند و اصل بر عدم نسخ است و ادعای آن نیازمند به دلیل معتبری دارد. در مقدمه بیست و دوم بدین نکته اشاره شد که یکی از اصالات مهم در شریعت، اصل بر مولوی بودن احکام است که اثرات فراوانی بر آن مترتب است.

# مروری بر چند مقدمه اخیر

گرچه دیروز به‌سرعت از این بحث‌ها گذشتیم و همه را در یک مقدمه قراردادیم، شاید طبق پیشنهاد بعضی دوستان این عناوین را در مقدمه‌هایی جدا قرار بدهیم، برای اینکه ظرفیت این را داشته باشد که در مقام تقریر هم بحث بیشتری بشود. بنابراین شاید مناسب باشد که بگوییم مقدمه نوزدهم مربوط به وجود حکم برای هر واقعه‌ای است. مقدمه بیستم اصاله المولویه در خطابات شرعیه و مقدمه بیست و یکم هم استمراریت دین و بقای احکام الی القیامه است.

# جمع‌بندی

بنابراین این سه بحثی که دیروز به ایجاز طرح کردیم در حقیقت سه مقدمه از مقدماتی می‌شود که در باب اجتهاد موردبحث و توجه قرار می‌گیرد. به‌این‌ترتیب، ادامه مقدمات دیگر چند بحث است که به همین اختصار و ایجاز مطرح می‌کنیم. مقدمه بیست و دوم این می‌شود که اصاله در خطابات شرعیه الهی بودن است، این هم یک بحث مهم دیگری است که گرچه در تقسیمات امر یا حکم در ضمن مباحث اصول قرار می‌گیرد، ولی باز به دلیل اینکه بحث گسترده و جزء مبنای استنباط است، ارزش این را دارد که به‌طور مستقل در مقدمات و جداگانه موردتوجه قرار بگیرد.

## اصالت الهی بودن احکام

مقصود از این امری که در مقدمه بیست و دوم مطرح می‌کنیم این است که احکام به ولایی و الهی تقسیم می‌شود. احکامی که به‌عنوان ثابت شرعی از ناحیه شارع جعل‌شده به آن اصطلاحاً احکام ولایی می‌گوییم و در نقطه مقابل آن احکامی بوده که حاکم و ولی امربر اساس اختیاراتی که شارع به او داده است، جعل می‌کند که تابع جعل آمر و حاکم است. این تقسیم در تقسیمات احکام نیز آمده است. ولی ما که جدا می‌کنیم به دلیل این است که قاعده و اصل این است که حکم الهی باشد، این امربر بخش زیادی از احکام غیرعبادی لااقل حاکم است و سیطره دارد.

علتش این است که در بسیاری از موارد که حکمی جعل می‌شود وقتی شک می‌کنیم که این حکم حکم الهی است و امام به‌عنوان مبلغ عن الله این حکم را می‌فرماید، یا اینکه نه حکم ولایی و حکومتی است که امام از حیث حاکمیتش، این حکم را جعل می‌کند.

مثل لاضرر که در قرآن این احتمال به آن شکل نیست، ولی در روایات در بخش زیادی از آن‌ها این احتمال وجود دارد که بیان حکم و ابلاغ حکم عن الله نیست، بلکه جعل حکم ولایی است که امام بیان می‌کند، در این مواطن اصل این است که ائمه در مقام پرسش و پاسخ یا حتی غیر پرسش و پاسخ حکم الله را بیان می‌کنند. نه حکم ولایی که نظر خودشان است.

## اصل حاکم در فضای روایات

این اصل بازهم مستفاد از فضای صدور روایات است و از ارتکازی است که سائلان و راویان و محدثان داشتند و احیاناً از خود روایاتی هم این مسئله استفاده می‌شود و در مواردی در روایات دارند که ما چیزی که می‌گوییم عن الله می‌گوییم. واطلاقی در آن است.

از جاهایی که ما با اهل سنت بحث داریم همین است. ما می‌گوییم همه آن روایاتی که اهل‌بیت نقل کردند، بر اساس روایات معتبر عن الرسول است و لذا همه این‌ها را به‌عنوان اخبار نبوی باید بپذیرید. چون فرموده‌اند ما هر چه نقل می‌کنیم از آبائهم است و نهایتاً عن رسول‌الله صلوات الله و سلام علیه، لذا بایستی این را بپذیریم. این را در حاشیه عرض کردم و در جای خودش باید بحثش را دنبال کنیم.

## نتیجه‌گیری

بنابراین یکی از پایه‌های اجتهاد متداول و اجتهاد اصیل و درست همین اصالت الهی بودن احکام است و در خطابات اصل بر این است که حکم واقعی را با این بیان ابلاغ می‌کند، نه اینکه چیزی را انشاء می‌نماید. این اصل هم از روایاتی که اشاره کردم استفاده می‌شود که بحث سند و دلالتش نیاز به بسط بیشتری دارد که فعلاً ما قرار بر آن نداریم.

ولی فی‌الجمله از آن‌ها استفاده می‌شود و همین‌که ارتکازات سائلان و راویان و محدثان و متشرعه بر همین است که جواب امام حکمی عن الله است و خطابات الهیه است ،کفایت می‌کند.

## ادله اصل بر مولویت

لذا اصل این است که ائمه اطهار در مقام پرسش و پاسخ حکم مولوی و الهی را بیان می‌کنند. و این اصل مستفاد از فضای صدور روایت و ارتکازی است که از سائلان و راویان به دست می‌آید. علاوه بر اینکه در روایاتی که در جامع الحادیث شیعه نقل‌شده، ائمه اطهار برخی احادیث را به خداوند می‌رساندند.

### اصالت ظهور

مقدمه بیست و سوم این است که؛

هرگاه در ظاهر و غیر آن در کلام شک شود، اصل بر اصالت ظهور است. لذا اگر شک در معنای ظاهر و استعاره، معنای ظاهر و یا اراده شدن بطنی از کلام شک شد، باید بنا بر اصالت ظهور و ظاهر کلام گذاشته شود که منطقه وسیعی را در کلام تحت پوشش خود قرار می‌دهد.

### انواع گفتارها

گفتارهایی که از انسان صادر می‌شود به سه صورت است؛

گاهی ادیبانه و تبلیغی، ترویجی است. نوع دوم آن متون علمی و تخصصی است و نوع سوم به‌طور اخص متون قانونی و حقوقی است. در مورد اول اصول عقلایی و لفظی که برای فهم معنا به کار می‌رود با اندک احتمالی می‌تواند جابجا شود.

در این میان، متونی که در روایات و آیات وجود دارد از نوع قانونی است و اصول عقلایی در آن جاری است. چه در عبادات و چه در غیر آن بدین‌صورت است. و این نوع از متون کمتر دستخوش کنایات و تأویلات است. و در فهم هر نوع کلامی لازم است که به قرائن گفتاری و غیر گفتاری توجه خاصی شود. از جهتی نیز به نحو متصل و گاهی به نحو منفصل و برگرفته از شرایط محیطی است.

### نتیجه‌گیری

برای کشف احتمالات باید تلاش نمود تا شرایط صدور نص و احوال و اوضاع زمان را بشناسیم. و نظر ما این است که ظرف صدور نص و شرایط زمانی و مکانی دخالت ندارد.